

کرونا چطور رشته ارتباط مهاجران را با خانواده‌هایشان سست کرد؟

شاید وقتی دیگر

مریم طالبی | گزارش نویس

تا پیش از کرونا، آمیدی برای دیدارهای سالانه یک بار یا دو ساله یک بار بود؛ یا آنها می آمدند یا اگر فرصتی پیش می آمد، کسی از اینجا پیششان می رفت.

مینا ارزاقی حدود ۷ سال است با همسرش از ایران به مونترال کانادا مهاجرت کرده. او از شرایط پیش آمده به

خطر کرونا می‌گوید: «بعد از این مدت تازه به شرایط باثباتی رسیده‌ایم و می‌توانیم از عزیزان مان بخواهیم اینجا بپوشانند. برای دو نفر از اعضای نزدیک خانواده دعوتنامه فرستاده بودیم و آنها برای آمدن

پقدام کرده بودند. خیلی خوشحال بودیم و
برنامه‌ریزی کرده بودیم. حتی جاهایی را که
قرار بود با هم برویم، مشخص کرده بودیم.

کارها داشت خوب پیش می‌رفت و آنها به مرحله انگشت‌نگاری رسیده بودند که کرونا مرزها را بست. سفرشان به ترکیه برای رفتن به سفارت کنسل شد و تا حالا هم شرایط مساعد نشده. گرچه هنوز امیدواریم یابندمی کرونا تمام شود و شرایطی فراهم شود که عزیزان ما را ببینیم.»

مینا از همکار سنگالی اش هم می گوید که همسرش قبل از شرایط بحران برای کاری به کشور خودش سفر کرده بود و ماه ها نتوانست به خاطر بسته بودن مرزها به کانادا برگردد و زن و دو فرزند خردسالش

«قرار بود مادر شیرین‌ترین اتفاق زندگی‌ام را با پدر و دو مادر جشن بگیرم اما اکنون نه‌کدامش، (المیرا) را می‌گوید و ادامه می‌دهد: «پدر و مادر قرار بود برای به دنیا آمدن فرزندم پیشم باییند و چند ماهی بمانند. از طرفی به خاطر دین‌شان بعد از چند سال ذوق زده بودم و از طرف دیگر خوشحال بودم که مادرم کنارم خواهد بود و کمک خواهد کرد، چون اولین تجربه مادر

خوشدن من است و چیز زیادی آمدن نام.
خوب همان طور که معلوم است آمدن نام.
خوب به کرونا و همه چیز به همه خورد.
حتی بلیت شان را هم گرفته بودند و فکر
کردم چه خوب که همه کارها بی دردرس
پیش رفت اما نمی دانستم که دردرس
بزرگتر از در راه است به هر حال فرزند
من در تنهایی به دنیا آمد و روزهای که
می نواستند شیرین ترین روزهای زندگی ام
باشند، غمگین و اسفرده می می شوند.
و تنهایی و بی تجربگی از یک طرف و تکرانی
برای خانواده ام از طرف دیگر، جویری عرصه
را به من کرده که همین طور بی دلیل
زیتم زنی گریه و دانا صبی، هستم».

آنها برای دلنگی‌شان راهی پیدا نمی‌کنند جز همان‌ها که از قبل بود. تماس صورتی. اولش می‌گفتند چرا همه مثل منم شدیم. بچه‌هایی که ایران هستند با تماس تصویری می‌توانند پدر و مادرشان را ببینند. سر این قضیه با برادرها و خواهرهایی که ایران بودند، شوخی هم می‌کردند اما چند ماهی که گذشت، دیگر از شوخی هم خسته نبودند. دلنگی افتاد به جانشان و دیگر دهن‌ها بود.

علی سالی یک بار می‌رفت ایران و خانواده‌اش را می‌دید. حالا نمی‌داند دوباره کی قرار است دیدارها شود. از این مدت هم و یکی از دوستان نزدیکش را به خاطر کرونا از دست داده: «برای ما هم که دور هستیم، شرایط خیلی بدتر است. دائم خبرهای ناراحت‌کننده می‌رسد و آدم کار از دستش برنمی‌آید. تا حرفه‌ای بمانی هم می‌گویند می‌توانستی نیروی بازارخه هرکسی یک شرایطی دارد و بالطبع به دلایل خاص خودش مهاجرت کرده. بعضی‌ها هم می‌گویند خوش به حالش که رفته‌ای و راحت شده‌ای اما در

لیلا یکی دیگر از مهاجران هم این طور می‌گوید: «پروازها خیلی محدود هستند یا عملاً لغو شده‌اند. همیشه وقتی می‌خواستم ترمینال پیام ایران را در زمستان بلیت رزرو می‌کردم اما حالا آدم‌مرد از طرفی قرقرتینه خانگی بعد از بازگشت از سفر را هم باید محاسبه کنیم. در کل شرایط خیلی سخت است. زندگی و اینکه نه دانی در نهایت چه می‌شود، حال مرا بدتر می‌کند».

وپیستا ساکن استرالیا هم اینطور می‌گوید: «کلاً مرزهای استرالیا بسته است و تازه اگر هم کسی از اعضای نزدیک خانواده موفق شود ویزا بگیرد، باید ۲ هزار و ۵۰۰ دلار هزینه قرنطینه برای هر زوج پرداخت کند و دو هفته بیشتر هم نمی‌تواند بمانند. این عملاً یعنی کسی نباید.»

ایران برگزار کند. نامزدش ایتالیایی است

و آنها فروردین امسال قصد سفر به ایران و برگزاری مراسم راند داشته که کرون آمد.
«شرایط ایتالیا را که می‌دانید چه قرنطینه سفت و سختی بود. ما تقریباً تازه با هم آشنا شده‌ایم و فکر کنید با دو فرهنگ متفاوت یک‌بگو هر چه می‌ان میان بود فاصله انداخت و پدر از همه این‌ها بی‌نور بود که نامزد می‌نماید شد و در بیمارستان بستری بود. خوشبختانه او بهبودی پذیرد و ما این‌ها همچنان امیدواریم بتوانیم روزی به ایران برویم و جشن عروسی بگیریم. اما این وضعیت نامعلوم همه را کلافه کرده و پدر و مادر من و ش‌شان بالاست و خیلی نگران‌شان هستم.»

برای آنها دیدار به وقت دیگری موکول شده؛ به زمانی نامعلوم که دیگر نمی‌دانند چه موقعی قرار است فرا برسد. فقط می‌دانند کرونا دل‌تنگی مهاجرت را برایشان چندین برابر کرده است.

“

احسان قرار بود
جشن ازدواجش را
در ایران برگزار کند.
نامزدش ایتالیایی
است و آنها فروردین
امسال قصد سفر
به ایران و برگزاری
مراسم را داشتند
که کرونا آمد. برای
آنها دیدار به وقت
دیگری موکول شده؛
به زمانی نامعلوم
که دیگر نمی‌دانند
چه موقعی قرار
است فرا برسد.
فقط می‌دانند کرونا
دلتنی مهاجرت
را برایشان چندین
برابر کرده است.



تتبع

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدایی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۱. کلک و شهریار سیاریخی - بی رمق ندارد
 ۲. مدام آزادی - زندان - تیراندازی
 ۳. شربت عرب - مادهای - شبیه موم و از تولیدات زنبو
 ۴. -ورنده
 ۵. -هر سبز - موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت جهانی
 ۶. اخلاق
 ۷. «انگلیس» - عمل پرکردن دراز کشی ها- شرکت
 ۸. نتالیایی
 ۹. روی رود طولانی اروپا - دو چرخه سوار «سوئسی»
 ۱۰. دهان
 ۱۱. منتخب - متخف - مارکی برگکش
 ۱۲. صوت تعجب بانو - کرنیس - مخفف
 ۱۳. صاف و شفاف - سرزمین - تصدیق بی ادبانه
 ۱۴. «علیرضا اوودنرزا» - ایوان - ناخوشایندی
 ۱۵. آرام - بازیگرن «سریع و خشمگین»

۱- مقاله‌نامه- روایت‌کننده
 یادبرایید- کامل‌کننده- غاری در «دهکده ساسان»
 به‌بیشاپور
 غری در ایالت «مادایا پرادش» هند- کربلای سابق-
 ری
 موشی- مردمک چشم- پایتخت فراری- هنر
 ون- پرنده‌ای خواننده- جویبارها
 دوشی- سوراخ روزنه- یار «سالاد»
 جیدن- نویسنده «روای مغول»

بدی:
نگاه و جاذبه ای در «ممسنی» - شهری در «ایتالیا»
در لیگ برتر - یک آشام از آب - شمشیر زن
سر گردن - پشمینه پوش - عرصه ورزش بوکس
بان - واحد پول «ترکمستان» - نشانه فعل
ی - حالتی از آینه

▲ **افق:**

- ۱- شاعران و نمادپایرانی دوران سلجوقیان
- ۲- معروف به «حجۃ الحق» - سفر عبادتی
- ۳- گل محمدی - راز و فنن دوگانه - نتیجه دست آمدن
- ۴- از اتحاد چند شرکت که کالایی مشابه به هم تولید می کنند و سهم عده ای را از بازار را در اختیار دارند به وجود می آید - مقاصد: تپوش
- ۵- فراگیر - بینوا - آرامگاه - رفیق مشهدی
- ۶- در کشتی رزوبیل می شود - به ناخواست - سوار
- ۷- شهری روستایی در استان «گیلان» - مارکی بر تلوزیونیز
- ۸- زارعیانیه!
- ۹- آنچه که در مقابل حرارت مقاومت کند - در کوهانه ترا -

- ۱- آنچه که در مقابل حرارت مقاومت کند - آوازه نواز - مطبع
- ۲- اول، آغاز - دوجزیه کوچک و بزرگ - نام دیگر یاقوت
- ۳- معنی حار گرفتن - خواننده آوازهای اصیل ایرانی - سنگ طلق
- ۴- کلاه فرنگی - شاه فرعی - صندلی خرد چادر دود
- ۵- درخت سر - درخت شمالی - شامل همه گیاهان
- ۶- نیکو - گرد آفریننده - لنگه - کلاه نوامی
- ۷- فرومایه - شاگرد - نام «ضیعی» «بازنگر خانم
- ۸- نام دخترانه - عزا - در امان و محفوظ
- ۹- از غصه مردن - سرمرده - کجیل و نوبیل نیم
- ۱۰- گاو کوسیرجان

♥ **عمودی:**
۱- تقاضای ترک شغل - کد شهیدیه
۲- آشنایی نزدیک (امهریزم) - کد پهنلای ۱۲ متر - پیشی
۳- ترفتن - قطعه‌های در سیر خودرو
۴- پارسنگ گزاف و بی‌پرواستان - خدمتکاران
۵- زنجیر پایدیه - خدای یکتا - درشت تراز ماسه - پیشوند یک
۶- میلیبی
۷- ادا دستگاه‌های مخابراتی - جمع شعر - فوت و فن
۸- مترادف «آشغال» - داده‌بندی یک تصویر چاپی - تلافی
۹- پسوند نگاره - کشوری در شمال شرقی آفریقا - پدر
۱۰- شعر یونان قبل از میلاد
۱۱- خبری پدر - فوری - مقاله مالکیت
۱۲- عادت زن باردار - بابتی - اقامتگاه مجلل
۱۳- نزدیک کردن - مصدر مرخم از نوشن - همراهی عرب
۱۴- به‌ششیر - قضات و ورزشی - گروستن
۱۵- مودن گردن اسب - ویتامین سیرنجات - شغل‌ها
۱۶- سخن‌پراکن
۱۷- دوست - سخن زشت - بازیچه کودک کان
۱۸- کلیسای اصفهان - «برنج ایرانی
۱۹- نشست و گردهمایی - نجات دادن مجروحان و
۲۰- خدموان

**جدول
ویژه**

❖ **افقی:**

- ۱- پیکنک «ماداکاسکار» - واحد
- ۲- خندان و شکفته - فراق - کشوری در «امریکا جنوبی»
- ۳- پسر (تیمورلنگ) - روحانی زرتشتی - شعله
- ۴- زمان مرگ - کشنده بی صدا - یکی از زیباترین شهرهای
- ۵- نینبانه‌پهرون
- ۶- اکپلوگرم - آفرین - فرود آمدن
- ۷- نوعی درخت - خوشبخت - خرمای سیاه
- ۸- گفت‌وگوی در گوشه - اثر تاریخی «ارومیه» - تجویز
- ۹- اخذ کردن - قوم باستانی - بیدار

[illegible]

	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱	ب	ز	ی	ا	و	ح	ط	ث	ج	د	ر	ز	ب	ا	ب
۲	ب	ز	ی	ا	و	ح	ط	ث	ج	د	ر	ز	ب	ا	ب
۳	ب	ز	ی	ا	و	ح	ط	ث	ج	د	ر	ز	ب	ا	ب
۴	ب	ز	ی	ا	و	ح	ط	ث	ج	د	ر	ز	ب	ا	ب
۵	ب	ز	ی	ا	و	ح	ط	ث	ج	د	ر	ز	ب	ا	ب
۶	ب	ز	ی	ا	و	ح	ط	ث	ج	د	ر	ز	ب	ا	ب
۷	ب	ز	ی	ا	و	ح	ط	ث	ج	د	ر	ز	ب	ا	ب
۸	ب	ز	ی	ا	و	ح	ط	ث	ج	د	ر	ز	ب	ا	ب
۹	ب	ز	ی	ا	و	ح	ط	ث	ج	د	ر	ز	ب	ا	ب
۱۰	ب	ز	ی	ا	و	ح	ط	ث	ج	د	ر	ز	ب	ا	ب
۱۱	ب	ز	ی	ا	و	ح	ط	ث	ج	د	ر	ز	ب	ا	ب
۱۲	ب	ز	ی	ا	و	ح	ط	ث	ج	د	ر	ز	ب	ا	ب
۱۳	ب	ز	ی	ا	و	ح	ط	ث	ج	د	ر	ز	ب	ا	ب
۱۴	ب	ز	ی	ا	و	ح	ط	ث	ج	د	ر	ز	ب	ا	ب

۳۴۹۹ رقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها، مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

متوسط								
١							٦	
٤				٢	٨	٩		
٩	٧			٦		٨		٣
			٢	٣	٥		٩	
	٦		٨	٤	٩			
٣		٤		٨			٧	٢
		٢	٣	٥				١
	٥							٩

۳		۷	۴			۵		
			۱				۶	
		۱	۲					
			۳		۶		۵	۴
۴								۸
۹	۲		۷		۴			
						۷	۹	
	۴				۳			
		۹			۱	۳		۶

[illegible]

آسان								
					۶			۳
		۷	۹	۴			۲	۶
۵	۴			۷	۳			
۷	۲	۹		۶				
۴		۵	۳		۹	۷		۸
				۵		۹	۱	۲
			۸	۳			۹	۵
۹	۳			۱	۵	۸		
۶			۷					

۹				۷				۳
		۷	۸		۹		۶	
					۱	۵	۷	
				۸	۵	۷		
		۹				۸		
		۸	۹	۲				
	۳	۵	۱					
	۱		۴		۲	۹		
۴				۶				۷

ՀԱՅԿԱԿ

ՄԱՐԿ